

ماهنامه آگاهی حقوقی

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

سال سیزده هم

شماره ۱۹۵

۳۱ سنبله ۱۳۹۸

انتقال ملکیت به سبب التصاق

● تتبع ونگارش: گللالی سنگرخیل عزیزى

درمورد اسباب کسب ملکیت مانند تصاحب ، میراث ، ووصیت قبلاً بحث گردید حالا در رابطه به سبب چهارم اسباب کسب ملکیت که التصاق شناخته میشود روشنی انداخته خواهند شد.

التصاق از ریشه لصق گرفته شده است که در لغت به معنی چسبیدن یا پیوستن چیزی به چیزبرا گویند. در اصطلاح حقوقی التصاق عبارت از اتحاد دو چیزی مختلف ازهمدیگر ومملوک مالکین مختلف است بدون اتفاق آنها . به عبارت دیگر التصاق، درهم فرو رفتن واتحاد وضمیمه دو چیز است که از همدیگر ممیز وجدا بوده اند ومملوک، دو مالک مختلف باشند.بدون آنکه هردو مالک بر اتحاد دو ملک توافق کرده باشند. التصاق در جای صدق می کند که جدا کردن این دو چیز بدون نقص وتلف یکی یا هردو، ناممکن باشد.همچنان التصاق در جای صدق می کند که دوجیز، مملوک دو مالک باشند. پس اگر کسی روی ملک خود بنای را آباد نماید، آن بنا را از این که در ملک خود آباد کرده است،مالک می شود،نه توسط التصاق.بنابراین التصاق در صورتی صدق می کند که قبل از اتحاددوشی (ملک) بین مالک هردو مال، اتفاقی نبوده والتصاق خود به خود صورت گرفته باشد.

شرایط التصاق سبب کسب ملکیت:

1-دو شی مادی متمایز ازهم باشد که اهمیت یکی بیشتر از دیگری باشد، طوریکه یکی اصل یا دیگری فرع شمرده شود.

2-درهم آمیختن دو شی مادی طوریکه جداکردن آنها بدون تلف، امکان پذیر نباشد .

3-مالک دو شی دو شخص باشد وبدون اراده، درهم آمیخته باشد .

اگر شرایط التصاق بطور کامل، احراز گردد التصاق به حکم قانون صورت می گیرد.

انواعالتصاق:

طبق قانون مدنی التصاق برسه نوع است:

1-التصاق طبیعی به عقار:

در مورد التصاق طبیعی به عقار حالات متعددی وجود دارد. اگر در اثر آب خیزی دریا، زمین جدیدی به وجود آید ، هرچند این زمین به زمین مملوکه شخص دیگر اتصال داشته باشد، زمین جدید نظر به قانون مدنی ملکیت دولت شناخته می شود.

ماده 2198 قانون مدنی در این مورد ذیلأً تصریح مینماید: «اگر در اثر آب خیزی دریا ، زمین جدیدی به وجود آید وبه زمین مملوکه شخص دیگر اتصال یابد زمین جدید ملکیت دولت شمرده می شود.»

اراضی که در اطراف آب های ایستاده جدیداکشف می شود، این اراضی نیز ملکیت دولت پنداشته می شود. اما اگر در اثر آبخیزی اراضی ملکیت شخصی بوده وزیر آب شده وبعد از نشست آب دو باره ظاهر گردد ، ملکیت صاحبان آنها تلقی می گردد نه از دولت.

2-التصاق منقول بر عقار:

التصاق منقول بر عقار که به اثر فعل انسان ایجاد می گردد، مالک زمین مالک مافوق وماتحت زمین می گردد. بنابراین مالک زمین مالک تمام بناء ، اشجار و تاسیسات که ناشی از عمل خودش است می گردد.

ماده 2202 قانون مدنی در مورد صراحت دارد که:«تمام بناء ها اشجار غرس شده وتاسیسات دیگری که از عمل مالک زمین بوجود آمده باشد ملک اوشناخته می شود.»

همچنان التصاق منقول بر عقارکه در اثر فعل شخص درزمین شخص دیگر،بوجود می آید ملک شخص زمین دارمحمسوب می گردد. طوریکه ماده 2203 قانون مدنی درزمینه چنین صراحت دارد:«هربنایا غرس اشجاریا تاسیساتی که جدید ازطرف مالک زمین بوسیله مواد مملوکه غیراحداث می گردد ملک صاحب زمین محسوب شده به تادیه قیمت موادودرصورت موجودیت دلیل موجه به پرداخت تعویض نیز مکلف می شود. مشروط براینکه کشیدن موادبدون الحاق ضرربزرگ به تاسیسات مذکورممکن نباشد.»

همچنان ماده 2204 قانون مدنی در مورد شخصیکه بنأی دیگری را با وجود داشتن علم به ملکیت غیراحداث نماید می نکارد: «هرگاه شخص توسط مواد شخصی خود بنأ یا تاسیسات دیگری را با وجود علم به ملکیت غیر در زمین شخص دیگری بدون رضایت او احداث نماید مالک زمین می تواند ازاله آن را به مصارف احداث کننده مطالبه نموده در صورت موجودیت دلیل موجه تعویض را نیز مطالبه نماید. در صورتیکه ازاله آن بدون عاید شدن ضرر بزمین ممکن نباشد مالک زمین می تواند اشیاء قبایل ازاله را در مقابل تادیه قیمت آن تصاحب نماید.» در صورت حسن نیت شخص احداث کننده ماده 2205 قانون مذبوراضافه نموده ذیلأً می نکارد:(هرگاه ه شخص احداث کننده بنأ یا تاسیسات مندرج ماده 2204 این قانون باحسن نیت معتقد باشد که در احداث انشأات مذکور ذیق می باشد. مالک زمین ازاله آن را مطالبه کرده نتوانسته بلکه می تواند یا قیمت مواد را با اجرت کار کار گران یا آنچه که به سبب احداث در غن زمین افزایش بعمل آمده هریک را که خواسته باشد بپردازد مشروط براین که مالک تاسیسات، ازاله آنرا مطالبه نه نماید.)

3-التصاق منقول به منقول:

به این معنی که یک شی دربین دونفرمشتک است حق یکی زیاد است واذیکری کم. شخصیکه حق آن زیاد است درنتیجه دربدل قیمت مالک مال محسوب می شود. چنانچه قانون مدنی درماده 2209 درمورد چنین دشعر است(هرگاه دوجنس منقول ملکیت دوشخص مختلف باحسن نیت وبدون موافقه قبلی مالکین آن طوری باهم یکجا شود بدون تلف شدن ازمم میرزاشده نتواند مالک منقول اکثرذربرابریقمت منقول دیگرمالک مال یکجا شده محسوب می گردد.)

اگر توان مالک زمین در پرداخت استحقاق آن نباشد در مقابل می تواند ملکیت زمین را به تقاضای تعویض عادلانه برای احداث کننده تاسیسات نماید. در زمینه ماده 2206 قانو ن مذکور مینکارد: «هرگاه بنأ یا تاسیسات مندرج ماده 2205 این قانون بحدی بزرگ باشد که پرداخت استحقاق آن در توان مالک زمین نباشد، مالک زمین می تواند ملکیت زمین را درمقابل تعویض

عادلانه برای احداث کننده تاسیسات تقاضاۛنماید.)

ادامه دارد...

و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت -(7)

تا مبادا از اندازه درگذرید- (8)

و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید- (9)

و زمین را برای مردم نهاد- (10)

سوره: الرحمن: آیه ۷،۸ و۹



جلالتآب دکترعبدالصبر انور وزیر عدلیه ج.ا.ا، با آقای اوزان آرطغرل، سفیر جمهوری ترکیه در افغانستان، در دفتر کارش دیدار و گفتگو کرد.

در این دیدار، دو طرف ضمن تأکید بر تداوم روابط دوستانه میان دو کشور، در باره همکاری‌های متقابل میان وزارت عدلیه ج.ا.ا و وزارت عدلیه جمهوری ترکیه، بحث و گفتگو نمودند.

وزیر عدلیه کشور از همکاری‌های جمهوری ترکیه در بخش‌های مختلف با این وزارت، اظهار سیاست و قدردانی نموده و خواهان ادامه همکاری هایشان با این وزارت گردید.

سفیر ترکیه مقیم کابل وعده نمود که جمهوری ترکیه در بخش‌های حقوقی، تجارتی، جزایی، مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و استرداد مجرمین با این وزارت، همکاری‌های خود را تقویت می‌کند.

سازمانهای بین المللی

● تتبع ونگارش: دردانه فضایللى

می کردند که بعضی از آنها در سطح جهان فعالیت می نمایند مانند پزشکان بدون مرز ، صلیب سرح جهانی ...،

بررسی ها و بر آورد ها نشان می دهد که هزاران سازمان غیر دولتی با عملکرد بین المللی عمدتاً با اهداف غیر انتفاعی در اقصی نقاط جهان فعالیت می نمایند و سابقه برخی از آنها به چندین سال می رسد مانند کلیسای کاتولیک.

باید گفت که اکثر سازمانهای بین المللی دولتی و غیر دولتی با اهداف سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، نظامی ، کشاورزی، تجارتی ، حمل و نقل ، حقوق بشر، علمی تشکیل می شوند.

تقشا و کارکرد های سازمانهای بین المللی:

در مورد نقش و کارکرد سازمانهای بین المللی تحلیل گران مسایل جهانی نظریاتی که تا کنون ارایه نموده اند عبارت از سه نقش اساسی زیر می باشد که ذیلا به آن اشاره می نمایم:

نقش ابزاربری ؛

نقش تربیون؛

نقش بازیگری؛

نقش ابزاری سازمانهای بین المللی به این مفهوم است که این سازمانهای بین المللی فقط نقش و رول یا وسیله و ابزار را به نفع دولتهای قدرتمند بازی می کنند و ازخود هیچ گونه نظر ندارند.چنانکه بعد از جنگ جهانی دوم امریکا و شوروی بارها از سازمان ملل متحد به عنوان ابزار جهت پیشبرد منافع خود استفاده نموده است. به طور مثال امریکا اکثر قطع نامه های سازمان ملل متحد که اقدامات اسرائیل رامحکوم می کرد از طریق حق وتو خویش خنثی نموده است. به همین ترتیب شوروی نیز قطع نامه های سازمان ملل متحد را که در باره حمله به افغانستان در تاریخ ۱۹۷۹ صادر شده بود وتو کرد .

در کل می توان گفت همان طوریکه قدرتهای کلان در تشکیل سازمانهای بین المللی سهم اند به همان اندازه در اتخاذ تصمیم آنان ذیصلاح می باشد و می توانند از آنان استفاده ابزاری نموده و عملکرد خود را موجه جلوه دهند.

ادامه در صفحه ۲

عناصر تشکیل دهنده سازمانهای بین المللی:

۱)هر سازمان بین المللی حد اقل توسط دو یا سه شخص تشکیل می شود همچنان سازمانهای بین المللی دولتی نیز باید توسط سه دولت ایجاد شود .

ثانیا هر سازمان بین المللی که تشکیل می شود یک سلسله وقایع سیاسی ،تاریخی و بین المللی باعث می شود تا یک سازمان مبنی بر محقق نمود ن اهداف خاص خود ایجاد شوند.

سازمانهای بین المللی بر اساس یک سند حقوقی تشکیل می شوند . همچنین این سازمانها در بستر یک دسته وقایع سیاسی ،تاریخی و بین المللی ایجاد می شوند مثل تشکیل جامعه ملل بعد از جنگ جهانی اول.

۳) سازمانهای بین المللی دارای تشکیلات دایمی برای رسیدن به اهداف هستند مانند دبیر خانه ، مجموع عمومی ، شورا و دبیر کل.

در عرصه بین الملل معمولا سازمانهای بین المللی با توجه به ماهیت اعضاء (دولتی و غیر دولتی)، قلمروجغرافیا یی، اهداف و فعالیتها و ساختار حقوقی تقسیم بندی می شوند . سازمانهای بین

المللی در مرحله اول به دولتی و غیر دولتی تقسیم شده و سپس سازمانهای بین المللی دولتی به سه دسته تقسیم می گردند.

اول- سازمان جهانی : که حوزه فعالیتهای آن کل پهنه جهان است مانند سازمان بین الملل متحد . دوم – سازمان منطقه ای : که حوزه فعالیتهای آنها در یک منطقه است مثل اتحادیه اروپا. در سازمانهای جهانی تمامی کشورهای جهان می توانند عضو شوند ولی اعضای سازمانهای منطقه ای معمولا از کشورهای یک منطقه خاص هستند. سوم- سازمانهای فراملی: که تعدادی از کشورها بر اساس اهداف خاصی در آن شرکت می کنند و ممکن است اعضای آن از چند منطقه جغرافیایی باشند مثل سازمان کنفرانس اسلامی واوپک . ولی سازمان های بین المللی غیر دولتی اینجوها معمولا با اهداف انتفاعی و غیر انتفاعی تشکیل

اعضای آن ایجاد می شود و با داشتن یک نظام یا مجموعه ای از دستگاه ها است که وظیفه اش تعقیب هدفهای مربوط به مصالح مشترک از طریق همکاری میان اعضای آن است . از نظر اندیشمندان حقوق مهمترین کار سازمانهای بین المللی غیر دولتی به عنوان یک بازیگر بین المللی در کنار دولتها و نهاد های بین المللی دولتی نقش ایفا می نمایند که به این وسیله می توانند هم توجیه کننده افعال دولتها بوده و هم به منافع کلان مادی و اهداف از قبل تعیین شده خویش نایل شوند . این سازمانهای بین المللی در ساعه فعالیت خویش از خطوط محوری ذیل پیروی نموده و اهداف خویش را تعقیب می نمایند که این مجورها عبارتند از:

۱-جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات درموضوعات مختلف،

۲-تحلیلهای کار شناسی از مسایل بین المللی،

۳- فعالیتهای میدانی در زمینه های مختلف خصوصا انساندوستانه،

۴-پیوند اشخاص حقیقی و حقوقی از اقصی نقاط جهان،

۵- ایفای نقش به عنوان جامعه مدنی جهانی و و جدان جهانی. به عقیده حقوقدانان سازمانهای بین المللی اعم از دولتی و غیر دولتی با اهداف سیاسی ، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، نظامی ، تجارت، حقوق بشر،حمل و نقل ، آموزشی ، کشاورزی، علمی ، فرهنگی تشکیل می گردند که هر یک کار برد خاص خود را در تعامل جهانی دارند.

به عبارت دیگر گفته می توانیم که سازمانهای بین المللی عبارت است از "تشکیلات رسمی و حقیقی برای رسیدن به اهداف خاصی و بر اساس یک سند حقوقی تشکیل گردیده اند."

دانشمندان علم حقوق به این نظرند که هر سازمان بین المللی متشکل از عناصر آتی می باشد که ذیلا به آن اشاره می نمایم.

سیستم عدالت رسمی در افغانستان

● تتبع ونگارش: محمد حسن سلیمی

عدالت رسمي يا عدالت دولتي

عبارت از عدالتی است که در چوگات محاکم و نظام قضايي و براساس روبه‌هاي قبول‌شده‌ی قضايي و ميکانيزم‌هاي پيش‌بيني‌شده در قوانين نافذه کشور تامين و اجرا مي‌گردد. به تعبير ديگر منظور از مکانيزم قضايي و عدلي رسمي یک سلسله تدابي‌ری است که با تشریفات خاص از طریق نهادهای رسمی دولتی (پولیس، خازنوالی و محاکم) اتخاذ گردیده و دعاوی مردم را به‌صورت رسمی و در قلمرو ارگان‌های عدلی و قضایی کشور حل و فصل می‌نماید. سیستم عدالت رسمی در برگیرنده قوانین دولت و نهادهای قانونی و عدلی آن می‌باشد. مانند پولیس، خازنوالی، محکمه و توقیف خانه ها.در واقع هر میکانیزم و سازوکار عدلی که تحت کنترل و مدیریت مستقیم یا غیرمستقیم دولت بوده باشد، مشمول اصطلاح عدالت رسمی یا دولتی می‌باشد. همچنین اصطلاح مذکور شامل مکانیزم قضایی نیمه‌رسمی که دولت به نحوی در آن دخیل هست، می‌گردد مثلا قانون عرفی یک سازوکار عدلی نیمه‌رسمی که در برخی موارد جامعه توسط دولت به رسمیت شناخته شده و با مقرره، دستورالعمل یا اصول‌نامه‌های دیگر که به واسطه دولت تنظیم شده است، اعمال می‌گردد.مبدا به وجود آمدن عدالت رسمی را می‌توان از زمان جستجو کرد که بشر وارد مرحله زندگی اجتماعی و شهرنشینی شده حفظ نظم عامه اهمیت پیدا کرده و به تدریج نظام دولت و نهادهای دولتی ایجاد و توسعه می‌یابد، و امنیت تمام شهروندان مستقیما به عهده دولت تعلق می‌گیرد.همزمان با تشکیل نظام دولت اصل تفکیک قوا، تقسیم کار و تفویض صلاحیت به نهادهای دیگر مطرح می‌گردد. قوهی قضاییه متحیث ارکان مستقل که صلاحیت رسیدگی به تمام دعاوی که از طرف اشخاص حقیقی و حکمی مطرح می‌گردد را به عهده دارد. همچنان ماده ۱۲۰قانون اساسی درزمینه چنین صراحت دارد:"صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاویی است که ازطرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت به جهت مدعی یا مدعی علیه درپیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

نقش سیستم عدالت رسمی در حل منازعات مردم:

ایجاد یک جامعه متکی بر اصل دموکراسی، قانونیت، امنیت، ثبات، ترقی و انکشاف در افغانستان مربوط به یک نظام موثر و قوی عدلی و قضایی است موجودیت یک سیستم عدلی و قضایی یک امر بسیار مهم و حیاتی برای تامين حقوق بشری، مدنی و اجتماعی شهروندان افغان به شمار می‌رود. تامين عدالت که تنها از طریق موجودیت یک سیستم موثر عدلی و قضایی ممکن است، مهمترین وسیله برای تامين صلح دوامدار است.انتظار اساسی مردم از سیستم عدلی و قضایی این است که رفتارهای غیرقانونی را اصلاح کند و برای افرادی که در نتیجه این رفتارها متضرر شده‌اند، با استفاده از معیارهای مورد قبول برای محاکمه عادلانه فرصت جبران خساره را فراهم کند و براساس آنچه قانون در مورد پیش‌بینی کرده است مجرم را مجازات کند. اما افغانستان کشوری است که تابع قوانین مدون بوده و همه‌ی دستاير قانونی آن نوشته شده است، درحالی‌که فیصله‌ها و تصامیمی که توسط جرگه‌ها و شورا‌های محلی تطبیق می‌شوند به هیچ‌وجه تابع این اصل نبوده در نتیجه مسوولیت‌پذیری و جواب‌دهی را در رابطه به تامين عدالت زیر سوال می‌برد.

ادامه درصفحه ۳

تطبيق بر نامه آگاهی دهی حقوقی در لیسه عالی محمود طرزی

● گزارشگر: بشیر احمد عزیزی



اعضای مبلغین ساحوی ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه مطابق به پلان مطروحه ای شان روز شنبه مورخ ۶/۲۳/۱۳۹۸ به منظور آگاهی دهی موضوعات حقوقی عازم لیسه عالی محمود طرزی واقع ناحیه ششم شهرکابل گردیدند. این برنامه را بالای سه صنف ۱۲ لیسه متذکره اجرا نموده و پیرامون موضوعات چون حقوق اساسی ووجایب اتباع، قانون منع شکنجه، قانون منع آزارواذیت زنان وکودکان معلومات مفصل را ارائه نمودند. و همچنان به تعدا ۳۰ جلد مجموعه مقالات که حاوی موضوعات حقوقی میباشد توسط مدیریت تبلیغات ونشرات آمریت آگاهی عامه به کتابخانه لیسه مذکوراهداء گردید.

سازمانهای...

۳- دبیر خانه:

کارهای اداری و سازمانی جامعه ملل توسط دبیر خانه انجام می گرفت که دبیر کل در راس آن قرار داشت. جامعه ملل در طول حیات خود موفق به حل وفصل بیش از سی اختلاف بین المللی وتشکیل کنفرانس های برای پرداختن به مسایل مهم بین المللی مانند قاچاق مواد مخدر، بردگی ،خلع سلاح و حقوق دریا ها گردید.

مهمترین ناتوانی جامعه ملل جلوگیری از ماجراجویی نظامی آلمان ، ژاپن ، ایتالیا و شوروی بودکه نهایتا موجب انحلال آن شد. سازمان ملل متحد:

قبل از انحلال رسمی جامعه ملل که در سال ۱۹۴۶ انجام گرفت دولتها فاتح جنگ جهانی دوم در اجلاس یالتا ۱۹۴۵ تصمیم به انحلال عملی جامعه ملل و جایگزینی سازمان ملل بجای آن را گرفتند . زمینه های فکری و رویداد هایی که درطول جنگ جهانی دوم باعث شکل گیری سازمان ملل متحد شد عبارتند از:

۱- منشور اتلانتیک:

در ۱۴ اوت ۱۹۴۱ بین روزولت رئیس جمهور امریکا وچرچیل نخست وزیر انگلیس روی یک کشتی نظامی در اقیانوس اطلس سندی امضاء شد که به منشور اتلانتیک موسوم شده است.

اصول منشور اتلانتیک به شرح زیر است :

الف- عدم تعلق امتیازات سر زمینی برای امریکا و انگلیس بعد از پایان جنگ ، کشورهای پیروزنباید هیچ امتیاز سرزمینی برای خود قایل باشند . بر اساس اصل حق تعیین سرنوشت و اصول دموکراسی تکلیف سرزمینهای آزاد شده باید روشن شود .

ب- تغییرات سر زمینی باید به خواست ملتها باشد نه بصورت اجباری از سوی دولتها فاتح.

پ- ملتها باید بتوانند به حق تعیین سرنوشت نایل گردند . منظور روزولت و چرچیل بیشتر مقوله استعمار زدایی بود.

ت- کاهش موانع تجاری چون این دو کشور دارای نظام لیبرال دموکراسی بودند اقتصاد و تجارت مبتنی بر لیبرالیسم را به نفع صلح بین المللی ارزیابی می کردند.

ث- افزایش همکاری اقتصادی بین المللی و افزایش رفاه اجتماعی.

ج- آزادی دریاهای آزاد.

ح- خلع سلاح عمومی و خلع سلاح دولتهای متجاوز. هر چند که درپیمان اتلانتیک به ایجاد سازمان بین المللی اشاره نشده بود. ولی بسیاری از مفاد منشور متاثر از پیمان اتلانتیک بود و می توان گفت که مبانی تیوریک ملل متحد اولین بار در منشور اتلانتیک ظاهر شد.

۲- اعلامیه ملل متحد ژانویه ۱۹۴۲:

در این اعلامیه ضمن تاکید بر اصول منشور اتلانتیک حدود ۲۶ کشور در جهان برای مقابله با کشورهای محور در جنگ جهانی دوم با یکدیگر متحد شدند و بدین وسیله زمینه عملی ظهور سازمان ملل را بنیان نهادند . بعدا نام سازمان جدید التاسیس متاثر از نام صلح و امنیت بین المللی در دستور کار شورا بود . شورای امنیت سازمان ملل دارای کرسی های دایم و غیر دایم بود.

نقش تریبونی سازمانهای بین المللی به این معنی و مفهوم است که بعضی از دولتها به ویژه کشورهای که مخالف وضع موجود اند از سازمانهای بین المللی به عنوان تریبون جهت نظریات خود بهره برداری می نمایند در واقع نظریات خود از طریق سازمانهای بین المللی عرضه نموده تا به این وسیله به خواسته ها و اهداف خود برسند. به طور نمونه می توان به اقدامات ایران بعد از انقلاب اسلامی اشاره نمود که این کشور از سازمان کنفرانسهای اسلامی جهت طرح دیدگاه و نظریات خود استفاده کرد.

نقش بازیگری سازمانهای بین المللی به این معنی و مفهوم می باشد که سازمانهای بین المللی در صحنه بین المللی به صورت یک بازی گر مستقل از اعضای خویش ایفای نقش می نمایند .

در این خصوص می توان به اقدامات دبیر کل سازمان ملل در دیپلماسی جهانی اشاره کرد و همچنین می توان به دیوان دادگستری بین المللی اشاره کرد که در ایضاح و توسعه حقوق بین الملل نقش بر جسته و مستقلى ایفا کرده است . نقش بازی گری برای سازمانهای بین المللی غیر دولتی مانند صلیب سرخ بین الملل نیز صادق است . این گونه سازمان های بین المللی بصورت مستقل به ایفای نقش بین المللی از جمله کاهش تالمات انسانیهای قربانی منازعات و خشونتها مبادرت می نمایند.

مبنای جامعه ملل و سازمان ملل:

اساس جامعه ملل و بعدا سازمان ملل بر مبنای "نظریه امنیت دسته جمعی " بنا شده است . در یک جمله امنیت دسته جمع یعنی "یکی برای همه، همه برای یکی" یعنی در صورت وقوع تجاوز همه اعضا موظفند به کمک قربانی تجاوز بشتابند. یا به عبارت دیگر هر مخاصمه یا تهدید به مخاصمه بین المللی (در سطح جهانی ،قاره ای ، محلی و حتی داخلی)ممکن است منجر به تهدید بر ضد صلح جهانی یا نقض این صلح شده یا امکان تحقق تجاوزی را فراهم سازد، باید در چارچوب جامعه ملل یا سازمان ملل، با عکس العمل جمعی کلیه اعضا مواجه شود.در حقیقت بر اساس این شعار جهانی بود که بعد از جنگ جهانی اول جامعه ملل ایجاد شد.

جامعه ملل:

بعد از جنگ جهانی اول شخصیتهای مهمی مثل "ادوارد گری" وزیر خارجه وقت انگلیس ، "وودرو ویلسون، رئیس جمهور وقت امریکا و "ادوارد هاوس" مشاور ویلسون اعتقاد داشتند که نظمی که بر اساس موازنه قوا در قرن ۱۹ شکل گرفته است جوابگوی دنیای بعد از جنگ نیست و باید طرح جدیدی برای اداره روابط بین المللی تنظیم کرد.

معرفی کود جزاء...

فصل چهارم باب هفتم کتاب دوم کود جزاء، جرایم ترافیک جاده، حادثه ترافیکی، انواع حادثه ترافیکی، مجازات مرتکب حادثه ترافیکی را توضیح داده است. همچنان پیرامون به کار انداختن غیر قانونی واسطه نقلیه، تغییر شماره ماشین یا شاسی، اخلال امنیت در ترافیک جاده، رانندگی درحالت سکریا نشه را نیز جرم دانسته، بدین سان فرار از محل حادثه ترافیکی، در اختیار قرار دادن واسطه نقلیه، حالات مشدده در حادثه ترافیکی، تغییر شکل علامه ترافیکی و عدم گذاشتن علامه اختاریه در مواضع را معین نموده وازجمله حادثه ترافیکی را چنین تعریف نموده است :

« (۱) حادثه ترافیکی واقعه ای است که از اثر اهمال، غفلت، بی احتیاطی، عدم رعایت قوانین، مقررات یا لویاح ترافیکی حادث گردیده ومنجر به فوت یا خساره جسمی یا مالی می گردد.

۲- مرتکب حادثه ترافیکی مندرج فقره (۱) این ماده مطابق احکام این فصل مجازات می گردد.» (ماده ۵۵۷ کود جزاء)

فصل پنجم باب هفتم کتاب دوم کود جزاء، جرم اسقاط جنین ومجازات آن را بیان وموارد آن که شامل اسقاط جنین در اثر ضرب، در اثر دادن ادویه یا توسط افراد، رضایت زن حامله به اسقاط جنین را تذکر داده است. همچنان شروع به جرم اسقاط جنین را بیان وحالت مشدده جرم اسقاط جنین را

در ماده (۵۷۴) چنین صراحت داده است : «هرگاه اسقاط جنین منجر به عقیم شدن زن گردیده باشد، مرتکب به حد اکثر جزای پیش بینی شده این فصل، محکوم می گردد.» فصل ششم باب هفتم کتاب دوم کود جزاء، ضرب یا جرح ومجازات آن، ضرب یا جرح منجر به قطع یا نقصان عضو، ضرب یا جرح منجر به نا توانی عضو اذکار را تعریف نموده است. همچنین احوال مشدده ضرب یا جرح، ضرب یا جرح بمنظور ارتکاب جنحه یا جنایت دیگر، ضرب یا جرح غیرعمدی رابیان و جرح یا قتل به اثر جنگ مغلوبه، دادن مواد ضرر ناک وغیر کشنده ، تعذیب جسمی یا روانی شاگرد یا کار آموز و جبران خساره را یاد آوری نموده پیرامون جبران خساره در حالات فوق الذکردر ذیل ماده (۵۸۴) چنین تذکر داده است: « (۱) در تمام احوال مندرج این فصل مرتکب مکلف به پرداخت جبران خساره وارده به مجنی علیه، نیز می باشد.

(۲) هرگاه مرتکب به رضایت خود خساره وارده را جبران نماید واز عمل ارتكابی اظهار پیشیمانی نماید و مجرم متکرر نباشد، به چهارم حصه مجازات جرم ارتكابی ، محکوم می گردد».

پوریا...

به ځينو معاملو كېښی د دين موضوع د يو كار سرته رسول دی په دی معنى چی پوروری یا ژمن کس باید یو کار د دین لپاره سرته ورسوی.

مدنی قانون ۸۱۹ ماده په د اړه داسی وایی:

(که د تعهد طبیعت یا د دواړه خواوو موافقه دیو کار اجراءکول پخپله په پوروری واجبوه ، پور ورکوونکی کولی شی چه د بل چا څخه قبول نه کړی)

دقانون څخه داسی معلومیږی چی ژمن کس اړ دی تر څوپه خپله هغه کار سرته ورسوی.

د بیلگی په ټوگه:یو داکتر داسی ژمنه کوی چی فلان ناروغ چی د زړه ناروغی لری خپله د دناوی لاندی ونیسی نو داکتر نه شی کولای چی ناروغ بل داکتر ته واستوی.

مدنی قانون ۸۲۰ ماده په دی اړه داسی وایی:

۱-) که تعهد په کار کولو شوی وو اوپوروری خپل تعهد اجراء نه کړو او دا هم ضروری نه وه چه پخپله یی تنفیذ کی ، پور ورکوونکی کولی شی چه د هغه کار د تنفیذ یډو اجازه د پوروری په حساب واخلی .

۲-په عاجلو حالونو کېښی پور ورکوونکي کولي شی بی د محکمې د اجازه د پوروری د خبرولو وروسته تعهد د هغه په حساب تنفیذ کی .

له قانون د دی مادي څخه دا جوتیږی چی یو وخت کېښی د ژمني موضوع د یو کار سرته رسول وی چی خپله کس ژمن نه دی هغه سرته ورسوی نو کولي شی دا ژمنه په بل کس باندی سرته ورسوی.

۳ – که چیری د دین موضوع له کار څخه ځان ساتل وی:

ځینی وخت د دین موضوع د یو کار پریښودل وی،مدنی قانون ۸۲۳ ماده په دی اړه داسی وایی:

(که پوروری د یوکار څخه د ځان ژغورلو تعهد وکړ اوخپل تعهد بی اخلا که نو پور ورکوونکی کولي شی چه کوم کار پوروری اخلا کړی د هغی د زایلیدو غوښتنه وکی او دلزوم په حالت کېښی کولی شی چه ورسره د پوروری څخه تعویض هم وغواړی .) په تیره برخه کېښی بیلکه یاده شوی ده .

د عیني تنفیذ وسایل:

د دین تنفیذ کله به اختیاری توگه ، کله په جبری توگه کیدای شی،اختیاری بڼه یي هغه ده چی پوروري په خپله خوښه دین یا ژمنه سرته ورسوی. دا ډول تنفیذ ژمني ته وفا په نامه یادیږی. کله

فصل هفتم باب هفتم کتاب دوم کود جزاء، گرفتاری، توقیف یا تحدید آزادی، مجازات گرفتاری توقیف یا تحدید آزادی، حالات مشدده مربوط به جرایم فوق الذکر را بیان داشته است وبدین ترتیب در قانونی ونگهداری غیر قانونی مظنون، متهم یا محکوم علیه در محلات سلب آزادی را تذکر همچنین از مجازات گرفتاری توقیف یا تحدید آزادی در ماده ۵۸۶ چنین یاد آوری کرده است :

«مرتکب جرم گرفتاری، توقیف یا تحدید آزادی، به حبس متوسط، محکوم می گردد.»

فصل هشتم باب هفتم کتاب دوم کود جزاء، اختطاف ومجازات آن، اختطاف به مقصد مطالبه یا اخذ مال یا منفعت، رهایی طفل در محل غیر مسکونی، پنهان نمودن یا تبدیل نمودن طفل نوزاد را توضیح داده است. همچنان حالات مشدده اختطاف ، تجاوز جنسی بالای مجنی علیه جرم اختطاف، تهدید شخص اختطاف شده در بیان نموده و از ارتکاب جرم توسط منسوب نیروهای نظامی، قطع عضو یا فوت مجنی علیه در نتیجه اختطاف و بردن بمنظور ازدواج را تذکر داده ودر ماده (۵۹۹) بردن به منظور ازدواج را چنین تصریح میدارد :

« هرگاه شخصی، زنی را که سن قانونی ازدواج را تکمیل کرده باشد بمنظور ازدواج از محل اقامت اولیای وی با خود ببرد در صورتی که به رضا و رغبت زن قانوناً با وی عقد ازدواج نماید، این عمل اختطاف شناخته می شود.»

فصل نهم باب هفتم کتاب دوم کود جزاء، جرم راهزنی ومجازات آن را بیان کرده واز راهزنی دریایی نیز یاد آور می شود .هرگاه به سبب راهزنی قتل عمد صورت گرفته باشد مجازات مرتکبین و شرکای رهزنی را توضیح ودر باره مجازات شرکای راهزنی درماده (۶۰۰) چنین تعریف نموده است:

تنفیذ په جبری ټوگه هم کیدای شی.پدی اساس قانون دوه ډوله تنفیذ پیژنی.په لاندی تفصیل سره:

لومړی اختیاري تنفیذ او دویم اجباري تنفیذ .

د عيني تنفیذ اختیاري بڼه هغه ده چی پوروري په خپله خوښه دین یا پور ورکړی .

جبری تنفیذ هغه تنفیذ ده چی پوروري په خپله خوښه دین سرته ورکړی .

مدنی قانون د اجباری تنفیذ د مالي گواښ په بڼه ترلاسه کړی . څرنکه چی د حقوقو د حاصلولو څرنکوالی قانون ۴۳ ماده ۱ فقره بیانوی.

(که چیری ددي قانون له حکمونو سره سم ، د پوروری او د ذمت ثابت دین تحصیل نشوای شی ، د دین تحصیل د اجباری تنفیذ له لاری صورت مومی)

د دی ماده په روښنایی کېښی جبری تنفیذ په ډوه بڼو ترسره کیږی:

۱. د بدنی اجبار له لاری تنفیذ
۲. د مالی گواښ له لاری تنفیذ
د هیواد اساسی قانون ۳۲ ماده د پوروري د آزادی په اړه وایی:

پور د پوروری د ازادی د سلیدیدو یا محدودیدو سبب کیدای نشي د پور د بیرته اخیستلو لاری چاری او وسایل د قانون له لیاری تنظیمیږی)

د مالی گواښ له لاری تنفیذ:

مدنی قانون ۸۲۴ مادي ۲-۱ فقری په دی اړه داسی وایی:

۱-که د عینی تعهد تنفیذ بی له دی چه پوروری پخپله هغه اجراء کی نا ممکن یا نا مناسب وی پور ورکوونکی کولي شی چه د محکمې څخه د دی تنفیذ دپاره پ پوروری د الزام حکم وغواړی ، که بی دا ونه منله نو ورسره دی د تهدید وونکی تاوان غوښتنه هم وکی .

۲-محکمې ته معلومه شوه چه د تنفیذ څخه د ځان ژغورونکي پوروری د زور اچولو دپاره د تاوان اندازه کافی نه ده نو کولی شی چه د حسابونو سره سم د تاوان اندازه زیاته کوی)

له قانون څخه په گوته کیږی چی د مالی گواښ تنفیذ هغه دې چی د پوروري مال تر گواښ لاندی راشی نو د پوروری وجود. یا په بله معنی قاضی پوروری کس ته تر یو معلوم وخت پوری مهلت ورکوی ترڅو خپله وجیه ترسره کړی ، که چیری پوروري کس په دغه وخت کېښی نشو کولي چی خپله وجیه سرته ورسوی قاضی هغه په مالی

سیستم عدالت رسمی در...

در کشورمان افغانستان شاید مردم با نام ساختارها و نهادهای عدلی - قضایی آشنایی داشته باشند. اما متأسفانه نسبت تعلل، فساد اداری، کارشکنی‌ها و بروکراسی و سایر مشکلاتی که در سیستم عدلی و قضایی افغانستان حاکم است، باعث شده که سیستم عدالت دولتی افغانستان اعتبار خود را نزد مردم از دست داده و مردم به فیصله‌ها و جرگه‌های محلی روی آورند.ازطرف دیگرساختارها و نهادهایی که برای تأمین عدالت نیاز است و شامل محاکم، سارنوالی و ادارات حقوقی می‌شود در همه نقاط کشور به شکل مساوی قابل دسترس نیست، به همین ترتیب مشکلات سیستم قضایی افغانستان سبب می‌شود تا بیشتر قضایا نه در ادارات عدلی بلکه در جرگه‌های محلی مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار بگیرد.در نتیجه اصول قانونیت و عدالت خدشه‌دار شده و جواب‌دهی و مسوولیت‌پذیری در قبال عملکردهای قضایی ضعیف شود.

زنان در زمینه دسترسی به عدالت در مراجع عدلی و قضایی با مشکلات زیاد مواجه‌اند، مراجعه زنان به محاکم به خصوص در قضایای مربوط به خشونت و مشکلات خانوادگی در افغانستان امر معمولی نیست، این مراجعه از دید خانواده‌ها و اجتماع از یک‌طرف و از دید کارمندان مراجع قضایی از سوی دیگر، طبیعی پنداشته نمی‌شود و برخورد در مقابل قضایای مربوط به زنان دقیقاً از همین طرز تفکر مردم منشا می‌گیرد.برعلاوه زنان درحقیقت با مراجعه به محاکم همه راه‌های برگشت دوباره خود را می‌بندند؛ به این معنا که زنان بنابه مشکلات فرهنگی و اجتماعی، رسوم و عنعنات حاکم در جامعه با مراجعه به نهادهای عدلی و قضایی برای احقاق حقوق‌شان فرصت کمتری به برگشت به خانه‌های‌شان را دارند.زیرا جامعه، مراجعه و شکایت زن را به مراجع قضایی در رابطه به یک قضیه خانوادگی و یا قضیه خشونت برخلاف سنت‌ها و اصول قبول شده محلی خود تصور می‌کنند. یکی از دلایل دیگری در رابطه به اعمال برخورد‌های تبعیض‌آمیز در برابر زنان در مراجع عدلی و قضایی، با حضور کم‌رنگ زنان درامورعدلی- قضایی‌به حیث مجریان این بخش برمی‌گردد.تعداد زنان مشغول در امور عدلی و قضایی افغانستان بسیار اندک و این‌هم بیشتر محدود به شهرهای بزرگ است.عدم حضور زنان مسوول در سکتور عدلی - قضایی، در بیشتر موارد سایر زنان را وامی‌دارد تا در برابر هرنوع مظالم سکوت اختیار کرده و برای دعوا و دادخواهی، اصلاً به مراجع عدلی وقضایی نروند.به همین ترتیب اطفال یکی دیگر ازاقشار آسیب‌پذیر جامعه‌اند که امکانات دسترسی به عدالت قضایی و محاکم را کمتر در اختیار دارند. درحالیکه کودکان به حیث گروه آسیب‌پذیر در خانواده بشری به مراقبت‌های مخصوص در هرزمانی به‌خصوص در دسترسی به عدالت نیاز دارند.تطبیق معیارهایی چون تعیین حداقل سن مسوولیت جزایی در قوانین، رعایت منافع علیای طفل در زمان برخورد با او در مراجع عدلی - قضایی، استفاده ازسلب آزادی به حیث آخرین راه حل و برای کوتاه‌ترین زمان ممکن، از جمله مسایلی است که باید در سیستم عدالت رسمی یا دولتی افغانستان و بدون استثنا ء برای همه کودکان تطبیق شود.با اینکه پیشرفت‌های نسبی در این زمینه با طرح و تصویب قانون جدید تخلفات اطفال به میان آمده، اما تا هنوز مشکلات زیادی وجود دارد. راه‌حل بیرون‌رفت از این چالش‌ها آگاهی‌دهی مردم نسبت به حقوق‌شان پیرامون نهادهای عدلی وقضائی از طریق رسانه‌ها و تنظیم سمینارها در مکاتب، مساجد و... جهت رشد وآگاهی مردم و احترام گذاشت به حقوق همدیگر می باشد.

ماخذ:

۱.سایت عیار آنلاین

۲.کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

۳. سایت ویکی پیدیا.

«شخصی که به قصد گرفتن مال از طریق مغالبه در راه عام ویا در هر محل مجبور دیگر با سلاح یا وسیله ای که مشابه سلاح باشد موضع گرفته ومرتکب یک یا چند عمل ذیل شود، راهزن شناخته شده مطابق احکام این فصل، مجازات می شود.

۱ – تخویف عابرین.

۲ – گرفتن مال غیر با تهدید.

۳ – قتل انسان.

۴ – قتل انسان وگرفتن مال غیر.

فصل دهم باب هفتم کتاب دوم کود جزاء، منع استخدام طفل در قطعات نظامی، مجازات استخدام کننده طفل، استخدام با استفاده از اسناد تزویری واستحصال وظیفه از طفل را توضیح داشته،مجازات استخدام کننده طفل را در ماده (۶۰۶) چنین صراحت داده است : «هرگاه مسئول قطعه نظامی طفل را در قطعه نظامی استخدام نماید، به حبس قصر ، محکوم می گردد.»

آنچه در فصول فوق الذکر تذکرده‌اشد جرایم مانند: ممانعت از تطبیق عدالت ، تضلیل قضاء ، اطلاع دروغ ، شهادت دروغ ، فرار دادن محبوسین واخلای مجرمین ، جرایم سازمان یافته ، جرم پولشویی ، جرم قاچاق انسان ، قاچاق مهاجران ، جرایم مرتبط به سلاح ناربه ، جرایم مرتبط به حیات ، تمامیت جسمی ومعنوی اشخاص ، ضرب وجرح منجربه مرگ ،قتل خطاء ، جرایم مربوط به ترافیک جاده ، اسقاط جنین ، ضرب وجرح ، اختطاف ومنع استخدام طفل در قطعات نظامی را با در نظرداشت حالات مشدده ومجازات آن ها راشرح داده است .

علاوه اذذکر جرایم مذکوردرموارد که لازم دیده شد از حالات مشدده وتعاریف جرایم و دربعضی موارد مجازات عده از جرایم مذکور تشریح شده است .

ادامه دارد...

ادامه دارد...

غرامت محکوموی.

په دغه حالت کېښی د پوروري مال د هغي دپورونو په اندازه پورورکoonکي ته سپاری.

مدنی قانون ۸۲۵ ماده په دی اړه داسی وایی: (که پوروری د تاوان د تهدید څخه وروسته د عینی تنفیذ تعهد پوره که او یایي د تنفیذ په نه اجراء کولو اصرار وکه ، محکمه به پور ورکوونکی ته درسیدلی ضرر اود پوروری د لچری په نظرکی نیولو سره د تعویض اندازه ټاکي)

په دی معنی کله چی پوروري سره پیسی نه وی د هغي د شتمنی د خرڅولو له لاری په دین ورکړی.د حقوقو د ترلاسه کولو قانون ۴۳ ماده دویمه فقره سره په کتو جبری تنفیذ پر هغه مال باندی کیږی چی د پوروری په ورزینی اړتیاوو که شامل نه وی. د حقوقو د ترلاسه کولو قانون ۴۴ ماده د ورزنی اړتیاوی په اړه داسی وایی چی ورزنی اړتیاوی هغه وسایل او هستوگن ځای دی چی کس پرته له هغه نه نشی کولي په عادی ټوگه ژوند وکړی.

د پوروری د اړتیاوی لیکلر (فهرست) د حقونو د ترلاسه کولو دقانون ۴۵ مادي په اساس د گومارل شوی هیت له لوری تثبیت او په پلازمینه کېښی د عدلیی وزارت له لوری او په ولایتونو کی د والیانو په تأیید رسول کیږی.

او قانون د جبری تنفیذ طریقه داسی بیانوی.چی د اداره لخوا د حقوقو د جبری تنفیذ غوښتنه او د محکمې له لوری د جبری تنفیذ اجازه ورکول کیږی. مربوطه اموال د یو ټاکلی هیات چی د حقوقو اداری د استازو څخه،محلی اداره،شاروالی،پولیس او نور د پوروری په شتون د داوطلبی او یا مزایده لا ته یی ورکوی.

تعویضي تنفیذ (د زیان ورکولو له لاری)

د حل بله لاره چی مدني قانون یي بیانوی د وجیهه تنفیذ د تعویض له لاری څخه ده.په دی معنی کله چی د عین تنفیذ امکان موجود نه وی نو تعویضي تنفیذ سرته رسیږی.د تعویضی تنفیذ څخه موخه دا ده چی د عینی تنفیذ عینا نه شی سرته رسیدلی او ژمن کس د عيني وجیبي پر ځای بله ژمنه پورورکoonکي سره کوي.هغه زیان چی له قاضی له لوری تعین شی هغی ته قضایی تنفیذ او هغه زیان چی د قانون له لوری تعین شی هغي ته قانونی تنفیذ وایی.او هغه تنفیذ چی د طرفینو په موافقه سره ترسره شی هغی ته توافقی تنفیذ وایی. هریو به په راتلونکی لیکنه کېښی بیان شی .

ادامه دارد...

پوریا ژمنه

● تتبع و نگارش: محمد عارف صبا

دویمه برخه :

په تیره لیکنه کښې وپیل شوی وه چه د پور تنفیذ (ورکول) په دوه ډوله (عیني تنفیذ بل یي تعویضي) ترسره او هر یو په خپل وارسره په اختیاری او اجباری تنفیذ ویشل کیږی ، عیني تنفیذ اوتعویضي تنفیذ په لاندی ډول څرکندېږی .

عیني تنفیذ:په حقوقی اصطلاح کښی تنفیذ په دوه معنی کارول کیږی.لومړي معنی یي د یو حقوقی عمل لکه:بیع،اجاره او وصیت چی خپله اعتبار نه لری اعتبار ورکول دی

د بیلگی په ټوکه: فضولی عقد چه د مالک په قبول سره اعتبار پیدا کوی.

دویمه معنی یي د یو کار سرته رسول دي چی اعتبار ولری.

د بیلگی په ټوکه کله چی له یو قاضی څخه یو د اعتبار وړ حکم صادر شي ، په بل قاضی باندی د هغي پلی کول لازم او ضروری دی.

تنفیذ په خپله لومړي معنی کښی د مالک یا ذی حق کس واک ده چی کوم الزام په هغي نشته.

د بیلگی په ټوکه: د دریمه حصي څخه د زیات مال وصیت ، د داسی وصیت اعتبار ورته ته مشروطیږی ورته حق لری چی تنفیذ یي کړی او یا یی نه کړی.

خو تنفیذ په دویمه معنی کښی تکلیفی ده تر څو یو معتبر حکم سرته ورسېږی.څرنکه چی په فقه کښی راغلی ، د حاکم د حکم تنفیذ نورو قاضیانو باندی لازم او ضروری ده.

د عیني تنفیذ موخه:

د عیني تنفیذ موخه د ژمنی سرته رسول دې .په دی معنی چی پوروری باید هغه شې ترسره کړی چی په هغي یي ژمنه کړی وی. که چیری هغه شي چی د پورورکونکي په واک کښی ده د حالت او اندازه له نظره له هغه شی چی د پوروری په واک کښی ده سره ورته نه وی په حقیقت کښی تنفیذ نه ده سرته رسیدلی ، پورورکونکی کولي شی له پوروری څخه د غرامت غوښتنه وکړی.

د بیلگی په ټوکه : پوکس ژمن ده ترڅو گرو شوي کور گرو اخیستونکی ته په ټاکلی وخت څرنکه چی په قرارداد کښی راغلی وسپاری. او مرتهن کولي شی د کور خرابوالی ته په کتو له مرتهن څخه د زیان غوښتنه وکړی او راهن دا حق هم لری چی له پوروری څخه وغواړی ترڅو کور بیرته لومړنی حالت ته واړوی . (پوروری دعین هغه څه په تنفیذ مکلف دي چی تعهد یي کړی ، که هغه معتذر وو نو د متعهد الزام په مال تعویض جواز لری خو په دی شرط چه د مالی تعویض څخه پور ورکونکی ته ضرورنه رسېږی . مدنی قانون ۸۱۵ ماده)

د عینی تنفیذ شرطونه :

مدنی قانون ۸۱۵ ماده د عینی تنفیذ د شرطونوپه اړه وایی:

(پوروری دعین هغه څه په تنفیذ مکلف دي چی تعهد یي کړی ، که هغه معتذر وو نو د متعهد الزام په مال تعویض جواز لری خو په دی شرط چه د مالي تعویض څخه پور ورکونکي ته ضرورنه رسېږی)

د قانون د دی حکم په اساس عینی تنفیذ دری شرطونه (۱- د عیني تنفیذ امکان ۲- د پورورکونکي له لوری د عیني تنفیذ غوښتنه ۳- پوروری ته ضرر نه رسیدل ، که چیری دا دری شرطونه نه وی نو عیني تنفیذ کومه معنی نه لری.

د عیني تنفیذ امکان:

که چیری عیني تنفیذ ناشوني وي ، پورورکونکی حق نه لری چی له پوروری څخه د عینی تنفیذ غوښتنه وکړی. یوازی کولي شی له پوروری څخه د تعویضي تنفیذ غوښتنه وکړی.

مدنی قانون ۹۱۶ ماده د عیني تنفیذ سرته رسیدل د امکان په اړه داسی وایی:

(۱- که پور داسی شي وی چه په ټاکلو ټاکل کیدی شی ، نو پوروری نه شی کولي پور ورکونکی ته یی دهغه درضا نه بل شی ورکی ، که څه هم د بدل قیمت د هغه شی د قیمت سره مساوی یا ورڅخه زیات وی چه مستحق الاداء دی .

که پور د داسی شيانو د جملی څخه وه چه په ټاکلو نه ټاکل کیده اوپه عقد کښی ټاکل شوې وي ، نو پوروری کولي شی چه مثل یي اداء کړی ، که څه هم پور ورکونکې ورباندی راضی نشی)

له قانون څخه چوتېږی چی دعیني تنفیذ سرته رسول ناممکن نه دی . که چیری د عیني تنفیذ سرته رسول مستحکمه واوسی نو د وجیبي سرته رسول د عیني تنفیذ په ټوکه نه ترسره کیږی.

د بیلگی په ټوکه : د پور موضوع د یو کار سرته رسول ، او دا کار د پوروری لپاره ناممکن وی نو پوروری باید د هغه ورته ورکړی که پورورکونکی راضی وی یا نه وی.

د پوروری له لوری د عیني تنفیذ غوښتنه:

که چیری پورورکونکی له پوروری څخه د وجیبي (د عیني تنفیذ) غوښتنه وکړی او عیني تنفیذ ناممکن وی پورورې اړ ده ترڅو عیني تنفیذ سرته ورسوی . برعکس که چیری پورورې چمتو وی ترڅو دا وجیبه ، عیني تنفیذ سرته ورسوی نو پورورکونکی حق نه لری چی له پوروري څخه د تعویضي تنفیذ غوښتنه وکړی.

ادامه در صفحه ۳

تسلیم دهی مواد تبلیغاتی حقوقی برای آمریت آگاهی عامه حقوقی وزارت عدلیه

● گزارشگر: بشیر احمد عزیزی



روزچهارشنبه مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۷- در مجموع به تعداد ۳۰۰۰ نسخه ورق تبلیغاتی حقوقی ازقبیل چهارنوع بروشور، چهارنوع بوکلیت، چهارنوع پوستر که به کمک وهمکاری مالی مؤسسه محترم صحنی و انکشافی اطفال ونوجوانان به چاپ رسیده بود، برای آمریت آگاهی عامه حقوقی وزارت عدلیه تسلیم داده شد. البته قابل یاد اوریست که مواد مذکور درجریان اجرای برنامه های آگاهی دهی موضوعات حقوقی برای اشتراک کنندگان توزیع می شود.

معرفی کود جزاء

● فیض الله خواجه آمانی

«مرتکب جرم پولشویی با نظر داشت اندازه وجوه یا دارایی قرار ذیل مجازات می گردد:

۱- در صورتی که اندازه وجوه یا دارایی تا یکصد هزار افغانی باشد، به جزای نقدی تا یکصد هزار افغانی.

۲ – در صورتی که اندازه وجوه یا دارایی بیش از یکصد هزار تا یک میلیون افغانی باشد، به حد اقل حبس قصیر یا جزای نقدی بیش از یکصد هزار تا یک میلیون افغانی.

۳ – در صورتی که اندازه وجوه یا دارایی بیش از یک میلیون تا پنج میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط تا دوسال .

۴ – در صورتی که اندازه وجوه یا دارایی بیش از پنج میلیون تا ده میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط بیش از سه سال.

۵ – در صورتی که اندازه وجوه یا دارایی بیش از ده میلیون افغانی باشد، به حبس طویل تا ده سال.

فصل سوم باب ششم کتاب دوم کود جزاء، جرم قاچاق انسان، مجازات قاچاق انسان، حالات مشدده درجرم قاچاق انسان را توضیح داده است. بدین سان مجازات فاعل قطع وبرداشت عضو وانساج بدن یا آزمایشات طبی، مجازات اختطاف، مجازات شخصی حکمی، مجازات اهمال موظف خدمات عامه در جرم قاچاق انسان را شرح داده وپیرامون مجازات معاون یا شریک جرم قاچاق انسان، معافیت مجنی علیه قاچاق انسان از تعقیب عدلی، معافیت ازمسئولیت جزایی وتخفیف مجازات وشروع به جرم قاچاق انسان را تذکر داده و درمورد مجازات شروع کننده به جرم قاچاق انسان در ماده (۵۲۰) چنین نگاشته است:

«شروع کننده به جرم قاچاق انسان به عین مجازات جرم قاچاق انسان، محکوم می گردد.»

فصل چهارم باب ششم کتاب دوم کود جزاء، جرم قاچاق مهاجران، مجازات جرم قاچاق مهاجران، حالات مشدده در جرم قاچاق مهاجران، معافیت مجازات مهاجرقاچاق شده را تذکر داده و درمورد مجازات همچنان مجازات شخصی حکمی، مجازات اهمال مؤ ظفین خدمات عامه درجرم قاچاق مهاجران را توضیح داده و پیرامون مساعدت در گرفتاری مرتکبین مجازات معاون یا شریک جرم قاچاق رارشر نموده است. درماده (۵۲۸) کود مذکورمجازات شریک ومعاون جرم قاچاق راعین مجازات فاعل جرم دانسته که بالای فاعل اصلی تطبیق میگردد.

ادامه درصفحه ۳

«هرگاه مخفی ساختن یا مساعدت در اختفاء یا فراراز تعقیب عدلی شخص از جانب زوج، زوجه، اصول، فروع، برادریا خواهر وی صورت گیرد، مرتکب آن، مجازات نمی گردد.»

فصل اول باب ششم کتاب دوم کود جزاء، جرایم سازمان یافته ومجازات مرتکب آن رابیان کرده ودرباره، سازمانده گروه سازمان یافته جرمی و اشتراک در گروه سازمان یافته جرمی را تذکرداده است.همچنان مجازات اشتراک درگروه سازمان یافته جرمی را در ماده (۴۹۷) چنین بیان نموده است:

«(۱) شخصی که با داشتن آگاهی ازهدف، فعالیت یا قصد گروه سازمان یافته جرمی مبنی بر انجام اعمال مجرمانه معین یا غیر معین، درفعالیت های مجرمانه گروه سازمان یافته جرمی بصورت مستقیم یا غیر مستقیم با درک اینکه شرکت وی در بدست آوردن اهداف مجرمانه فوق مؤثر است بصورت فعالانه سهمیم گردد، مرتکب جرم اشتراک در گروه سازمان یافته جرمی شناخته می شود. (۲) شریک یا معاون در جرایم سازمان یافته جرمی، به عین جزای فاعل جرم، محکوم می گردد.»

فصل دوم باب ششم کتاب دوم کود جزاء، جرایم پولشویی ومجازات جرم پولشویی شخص حقیقی قبلآ تذکردادیم که کود مذکورمجازات جرم و حکمی را توضیح داده است. وهمچنان پیرامون عدم اطلاع دهی راپور معامله مشکوک، ازبین بردن اسناد یا تزویر درجرم پولشویی، افشای غیر قانونی معلومات، گزارش ها واسناد ثبت شده مصرم را بیان نموده وعدم همکاری با مراجع ذیصلاح نظارتی، داخل یا خارج نمودن غیر قانونی پول، پنهان، انتقال یا وا نمود کردن خلاف حقیقت راشرح داده است. همچنان در مورد سلب جواز فعالیت، مجازات عضو گروه سازمان یافته جرمی و مصادره وجوه، دارایی ومنفعت حاصله توضیحاتی داشته است.

قبلآ تذکردادیم که کود مذکورمجازات جرم پولشویی اشخاص حقیقی وحکمی را بیان نموده است. قابل ذکر است که ماده (۴۹۹) کود جزاء، راکه دررابطه به مجازات جرم پولشویی شخص حقیقی میباشد تذکر دهیم :

وجبران خساره را بیان نموده و امتناع از اطلاع دهی دروقت معین را نیزتذکر و اطلاع دروغ را در ماده (۴۷۱) چنین تعریف می نماید :

« شخصی که به کذب یکی از مراجع مسئول را از جرمی اطلاع بدهد که به عدم وقوع آن علم داشته یا مراجع مذکور را با سو نیت با وجود علم به کذب اطلاع خود به ارتکاب جرم یک شخص اطلاع دهد یا به ارتکاب جرم شخص خلاف واقع، ادله مادی خلق نماید یا علیه یک شخص با وجود علم به برائت او ، سبب اتخاذ اجراءآت قانونی گردد ، قرار ذیل مجازات می گردد.

۱ – در صورتی که موضوع اطلاع دروغ، جنحه باشد، مرتکب، به جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی ، محکوم می گردد.

۲ – در صورتی که موضوع اطلاع دروغ، جنایت باشد، مرتکب، به حد اکثر حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می گردد.»

فصل چهارم باب پنجم کتاب دوم کود مذکو، جرم شهادت دروغ ومجازات آن را تصریح نموده وموارد پرامون تضلیل قضاء و مجازات آن یا پنهان نمودن حقیقت را شرح داده است وضمنآ در رابطه به ارایه شهرت غیر واقعی، سرقت، پنهان یا اتلاف اموال به قصد تضلیل قضاء نیزاحکام خاص را مقرر داشته است. همچنان ارایه گزارش نادرست اهل خبره یا ترجمه خلاف حقیقت، عدم رعایت نظم جلسه محاکماتی ، سوگند ناحق واستنکاف ازسوگند را معین نموده ودرمورد سوگند ناحق ماده (۴۷۴) کود مذکور چنین صراحت دارد:

«(۱) هرگاه در دعوی قضایی به یکی از طرفین دعوی سوگند متوجه گردد وبه ناحق سوگند یاد کند، به حبس متوسط، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه شخصی بعد از سوگند دروغ وقیل از صدور حکم در موضوع دعوی به حقیقت رجوع نماید، به جزاء، محکوم نمی گردد.»

فصل سوم باب پنجم کتاب دوم کود جزاء جرم اطلاع دروغ یا خود داری از اظهار حقیقت را مورد بحث قرارداده همچنان ارایه اطلاع دروغ به مراجع قضایی یا اداری را نیز جرم دانسته است.هکذا اطلاع کذب از طرف موظف خدمات عامه، عدم تعقیب عدلی اطلاع دهنده

ممانعت از تطبیق عدالت ومجازات آن

فصل اول باب پنجم کتاب دوم کود جزاء درمورد ممانعت از تطبیق عدالت ومجازات آن ،

ارعاب یا تطمیع مجنی علیه یا شاهد، افشای هویت، محافظت شهود یا اطلاع دهنده تذکرداده است. علاوتآ از افشای اقدامات محافظتی یا اخفای هویت شاهد، عمل انتقام جویانه علیه موظفین خدمات عامه یا اطلاع دهنده یا شاهد توضیحاتی داشته همچنان پیرامون ممانعت از تطبیق عدالت در جرایم تروریستی، ارتکاب جرم ممانعت در تطبیق عدالت توسط موظف خدمات عامه و عدم اطلاع از آثار جرمی حین معاینه را معین نموده و در رابطه به افشای هویت در ماده (۴۶۲) کود مذکور چنین آمده است :

«شخصی که هو یت شاهد یا اطلاع دهنده یا ارایه کننده مدارک یا معلومات در مورد جرایم را، بر خلاف رضایت آنها یا بدون اجازه محکمه افشاء نماید، به حبس قصیر، محکوم می گردد.»

فصل دوم باب پنجم کتاب دوم کود مذکور پرامون تضلیل قضاء و مجازات آن یا پنهان نمودن حقیقت را شرح داده است وضمنآ در رابطه به ارایه شهرت غیر واقعی، سرقت، پنهان یا اتلاف اموال به قصد تضلیل قضاء نیزاحکام خاص را مقرر داشته است. همچنان ارایه گزارش نادرست اهل خبره یا ترجمه خلاف حقیقت، عدم رعایت نظم جلسه محاکماتی ، سوگند ناحق واستنکاف ازسوگند را معین نموده ودرمورد سوگند ناحق ماده (۴۷۴) کود مذکور چنین صراحت دارد:

«(۱) هرگاه در دعوی قضایی به یکی از طرفین دعوی سوگند متوجه گردد وبه ناحق سوگند یاد کند، به حبس متوسط، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه شخصی بعد از سوگند دروغ وقیل از صدور حکم در موضوع دعوی به حقیقت رجوع نماید، به جزاء، محکوم نمی گردد.»